

گسست توسعه از ماهیت مکان؛ نقدی بر الگوی رایج توسعه در مناظر مذهبی: تبیین سازوکارهای سازمان فضایی، وقف و حکمرانی با شواهدی از بافت پیرامون حرم رضوی



سمیه صبوری

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

در پارادایم‌های رایج توسعه، موفقیت مداخلات شهری در مناظر مذهبی غالباً با معیارهای کمی نظیر افزایش ظرفیت کالبدی، تسهیل شبکه حرکتی، گسترش خدمات زیارتی و جذب سرمایه‌گذاری سنجیده می‌شود؛ حال آنکه این سنخ مداخلات می‌توانند مناسبات تاریخی، اجتماعی، فضایی و معنایی مقوم مکان را دستخوش فرسایش سازند. پژوهش حاضر با هدف تبیین این چالش ساختاری، مفهوم «فرسایش رابطه‌مندی مکان» را در نقد الگوی توسعه پروژه‌محور صورت‌بندی می‌کند. روش مطالعه، کیفی و مبتنی بر مرور مفهومی-انتقادی هدایت‌شده و تحلیل مضمون اسناد و منابع منتخب است؛ در این میان، پهنه پیرامونی حرم مطهر رضوی نه به‌مثابه مطالعه موردی محض، بلکه به‌عنوان موردی روشن‌گر بر پایه شواهد ثانویه واکاوی می‌شود. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که فروکاستن «سازمان فضایی» به شبکه حرکت و دسترسی، تقلیل «عهد وقف» به دارایی اقتصادی، و فروکاهش «حکمرانی» به هماهنگی میان بازیگران مسلط، ظرفیت مکان را برای بازتولید پیوندهای میان حرم و شهر، زائر و مجاور، زیارت و حیات روزمره، و اقتصاد زیارت و معیشت بومی به شدت کاهش می‌دهد. بر این قیاس، فرسایش مکان صرفاً اضمحلال کالبد تاریخی نیست، بلکه اختلال در توان واسطه‌گری و اتصال میان کالبد، فعالیت، معنا، حافظه جمعی و ساختارهای نهادی است. در نهایت، توسعه مکان‌محور تنها زمانی محقق می‌شود که پیوستگی فضایی، کارکرد اجتماعی وقف و مشارکت اثرگذار ذی‌نفعان را در بستر تحولات حفظ و بازتنظیم نماید. سهم اصلی این پژوهش، ارتقای نقد تحلیلی به چارچوبی مفهومی و سنجش‌پذیر برای ارزیابی توسعه شهری در مناظر مقدس است.

واژگان کلیدی: فرسایش مکان، جدایی‌گزینی، توسعه مکان‌محور، منظر مذهبی

الگوی توسعه پروژه محور در مناظر مقدس از طریق چه مکانیسم‌هایی
سبب فرسایش رابطه مندی مکان می‌شود و توسعه مکان محور با اتکا
بر چه معیارهایی می‌تواند این فرایند تخریبی را مهار و بازتنظیم نماید؟

مقدمه و بیان مسئله

مناظر مقدس را نمی‌توان به کالبدی شاخص، حریم بصری یا مقصدی برای ادای مناسک فروکاست؛ این مناظر، سامانه‌هایی چندلایه‌اند که در آن‌ها امر قدسی از طریق هم‌نشینی اندام‌وار کالبد، حرکت، آیین، سکونت، اقتصاد، حافظه جمعی و نهادهای اجتماعی بازتولید می‌شود. در شهرسازی ایرانی، زیارتگاه کیفیتی ساختاردهنده در سازمان‌یابی بازار، محله، شریان‌های حرکتی و فضاهای همگانی داشته و پیوندی وثیق میان کانون مقدس و حیات روزمره برقرار می‌کرده است (Farzin, 2010; Ashouri, 2014; Nattagh & Mokhles, 2019). از این‌رو، مرز منظر مذهبی به حصار کالبدی محدود نمی‌شود؛ بلکه پهنه پیرامونی، بخشی لاینفک از سیر تشریف و عرصه‌ای برای ادراک تدریجی، مکث و بازشناسی امر قدسی است (Khorrarmrouei et al., 2019; Izadi et al., 2020; Eslami et al., 2020). خوانش رابطه‌ای از «مکان» هم‌راستا است؛ دیدگاهی که مکان را نه ظرفی خنثی، بلکه برآمد پویای مناسبات متقابل مادیت، فعالیت، ادراک فضایی، حافظه، زمان‌مندی و روابط اجتماعی می‌داند (Relph, 1976; Tuan, 1977; Cresswell, 2004). در نظریه‌پردازی‌های بومی نیز حس تعلق به مکان، برآمد تعامل هم‌زمان ویژگی‌های کالبدی، عملکردی، ادراکی و معنایی تبیین شده است (پرتوی، ۱۳۸۲؛ فلاحت، ۱۳۸۵؛ Basiri Mozhddehi; Daneshpour et al., 2009; et al., 2020). بر این قیاس، «ماهیت مکان» در پژوهش حاضر نه ذات تغییرناپذیر، بلکه منطق تاریخی روابطی است که تداوم هم‌زمان زیارت، سکونت، معیشت، حافظه و کنشگری عمومی را امکان‌پذیر می‌سازد. از این‌رو، مسئله حفاظت شهری، تداوم بخشی به ظرفیت مکان در بازتولید مناسبات مقوم خویش در مواجهه با تحولات است. باین‌وجود، پارادایم‌های معاصر توسعه، موفقیت مداخلات را غالباً به شاخص‌های کمی نظیر ارتقای ظرفیت کالبدی، تسهیل شبکه حرکتی و جذب سرمایه فرو می‌کاهند. یک مداخله شهری می‌تواند از منظر مهندسی ترافیک موفق باشد، اما هم‌زمان منجر به تخریب مسیرهای تشریف تاریخی، اضمحلال

فضاهای واسطه، گسست سکونت پایدار و تضعیف اقتصاد خرد گردد. ادبیات آسیب‌شناسانه توسعه مکان‌خشی نیز مؤید آن است که ارزیابی‌های صرفاً کمی، تمایزات تاریخی، نهادی و اجتماعی بسترها را مغفول می‌گذارند (Barca et al., 2012; Rodríguez-Pose, 2018). این چالش در بافت پیرامون حرم مطهر رضوی کیفیتی بحرانی دارد. مشهد در تطور تاریخی خود حول یکپارچگی حرم، بازار، محلات، مسیرها و نهاد وقف سازمان یافته بود؛ اما تحولات معاصر موجب دگرگونی مرکز تاریخی، فشار بر سکونت بومی و اقتصاد خرد، و اختلال در نسبت زائر و مجاور شده است (Sarkhili et al., 2014; Hoseinzadeh & Moeini, 2020; Sabouri & Saboonchi, 2022; Nattagh & Hosseinzadeh, 2023; Kolahi et al., 2023). همگرایی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد اتکا بر متغیرهای کالبدی و اقتصادی محض برای فهم تبعات فضایی کفایت نمی‌کند. ادبیات موجود این ابعاد را جداگانه بررسی کرده‌اند: پژوهش‌های مکان بر تعامل کالبد، فعالیت و ادراک (Daneshpour et al., 2009; Rezaei et al., 2018)، مطالعات منظر آیینی بر نقش مسیر و مناسک (Khorramrouei et al., 2019; Abarghouei Fard, 2018) و تحلیل‌های سازمان فضایی و وقف بر پیامدهای ساختاری تأکید ورزیده‌اند (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Abarghouei Fard & Mansouri, 2021). خلاء نظری موجود، فقدان چارچوبی جامع برای تبیین چگونگی فرسایش مناسبات مکان از طریق استحاله سازمان فضایی، تغییر کارکرد وقف و تمرکز حکمرانی است. گفتمان حاضر با مفهوم‌سازی «فرسایش رابطه‌مندی مکان»، به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که الگوی توسعه پروژه‌محور در مناظر مقدس از طریق چه مکانیسم‌هایی سبب فرسایش رابطه‌مندی مکان می‌شود و توسعه مکان‌محور با اتکا بر چه معیارهایی می‌تواند این فرایند تخریبی را مهار و بازتنظیم نماید؟ این مطالعه با اتخاذ راهبرد کیفی و تحلیل مضمون اسناد، بافت پیرامون حرم رضوی را به مثابه موردی روشن‌گر برای تبیین اختلال در شبکه مناسبات و ارائه معیارهای سنجش‌پذیر توسعه مکان‌محور تحلیل می‌کند.

چارچوب مفهومی

شالوده نظری پژوهش بر این گزاره استوار است که «مکان» نه ظرفی کالبدی و خنثی، بلکه برآمد پویا و تاریخی مناسبات میان مادیت، فعالیت، ادراک، حافظه، زمان‌مندی و ساختارهای اجتماعی-نهادی است. بر این قیاس، تصویر ۱ مدل مفهومی را در سه لایه هم‌پیوسته سامان می‌دهد: لایه نخست به مرزبندی مفاهیم، لایه دوم به سطوح قوام‌دهنده رابطه‌مندی در منظر مذهبی، و لایه سوم به مدلی تبیینی برای تحلیل اثرات توسعه پروژه‌محور بر تداوم یا فرسایش روابط مکان می‌پردازد. این تفکیک سلسله‌مراتبی، جایگاه تحلیلی مفاهیم را در زنجیره استدلال شفاف می‌سازد (تصویر ۱). در لایه نخست، «فضا» بستر مادی کنش است، اما «مکان» زمانی تحقق می‌یابد که فضا از مجرای تجربه زیسته، ادراک و حافظه بار معنایی یابد. «هویت مکان» الگوی تداوم و بازشناسی جمعی و «حس مکان» کیفیت عاطفی مواجهه با محیط است. «منظر» نیز نه سیمای بصری، بلکه کلیتی ادراک‌پذیر از تعامل عین، ذهن، تاریخ و عمل اجتماعی است؛ از این رو، تقلیل منظر به ابعاد عینی یا خلط سازمان فضایی با هندسه صوری، مانع تحلیل جامع محیط است (Mahan & Mansouri, 2017; Mansouri & Hemmati, 2021). تعبیر «ماهیت مکان» نه ذات صلب، بلکه منطق تاریخی روابط سازنده مکان است. مفهوم محوری مطالعه، یعنی

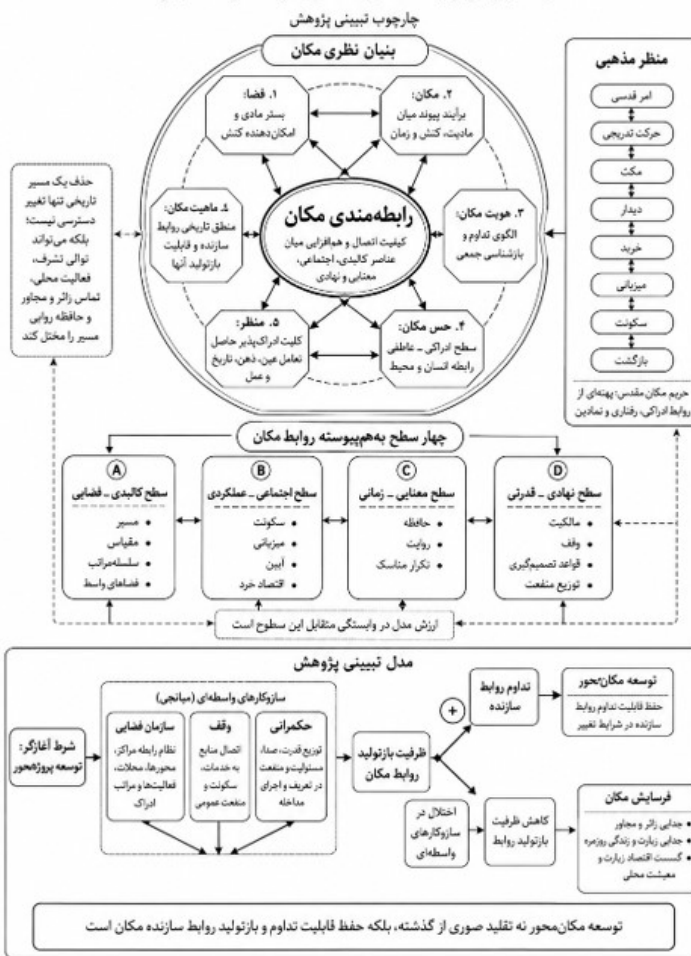
«رابطه‌مندی مکان»، کیفیت هم‌افزایی میان مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، معنایی و نهادی را تبیین می‌کند. ادبیات نظری، پدیده بی‌مکانی را با گسست تجربه زیسته از فضا مرتبط دانسته است (پرتوی، ۱۳۸۲؛ فلاحت، ۱۳۸۵؛ Basiri Mozhdehi, 2020; Daneshpour et al., 2009). بنابراین، حفاظت از مکان به معنای انجماد صورت گذشته نیست، بلکه تداوم بخشی به ظرفیت مکان در بازآفرینی مناسبات مقوم خویش است. مطابق بخش میانی تصویر ۱، رابطه‌مندی مکان در چهار سطح متقابلاً وابسته تحقق می‌یابد: کالبدی-فضایی (پیوستگی مسیرها، دید و فضاهای واسطه)، اجتماعی-عملکردی (سکونت، مناسک، اقتصاد خرد و حیات روزمره)، معنایی-زمانی (حافظه، روایت و تکرار آیین‌ها) و نهادی-قدرتی (مالکیت، وقف و توزیع منفعت). ارزش مدل در وابستگی متقابل این سطوح است؛ برای نمونه، تعریض یک مسیر تاریخی صرفاً تغییر دسترسی نیست، بلکه توالی تشرف، حیات کسبه و تماس اجتماعی زائر و مجاور را هم‌زمان دستخوش اختلال می‌سازد. در منظر مذهبی، امر قدسی در توالی فضایی-اجتماعی سیر تشرف بازتولید می‌شود. بخش راست تصویر ۱ این توالی را از مواجهه تا مکث، مبادلات، سکونت و بازگشت بازنمایی می‌کند. حریم مکان مقدس نه خطی حقوقی، بلکه پهنه‌ای از روابط ادراکی، رفتاری و نمادین است. زیارتگاه به صورت تاریخی از طریق بازار، محله و مسیرها با شهر پیوند یافته است (Farzin, 2010; Ashouri, 2020; Eslami et al., 2020; Izadi et al., 2020; Nattagh & Mokhles, 2019). از این‌رو، افزایش سرعت دسترسی الزاماً به معنای ارتقای تجربه زیارت نیست، زیرا ممکن است کیفیت مکث و تعاملات اجتماعی را تضعیف کند. بخش تحتانی تصویر ۱، مدل تبیینی را صورت‌بندی می‌کند. اثرات توسعه پروژه محور از طریق سه سازوکار واسطه‌ای اعمال می‌شود: سازمان فضایی یا نظام روابط مراکز و محلات (Mansouri, 2007; Abarghouei Fard & Mansouri, 2018; Mansouri & Mohammadzadeh, 2021)، نهاد وقف به عنوان متصل‌کننده منابع به منفعت عمومی (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Karimian et al., 2019)، حکمرانی به مثابه نحوه توزیع قدرت و منافع (Maghsoudi, 2019). پیامد نهایی به کارکرد این سازوکارها بستگی دارد؛ اختلال در آن‌ها به فرسایش مکان و گسست میان زائر و مجاور، زیارت و حیات روزمره، و سرمایه‌گذاری و منفعت عمومی می‌انجامد. بدین ترتیب، توسعه مکان محور حفظ قابلیت استمرار و بازآفرینی مناسبات مقوم مکان در شرایط تغییر تبیین می‌شود.

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، نظری-تبیینی و مبتنی بر راهبرد کیفی است. جهت پاسخ‌گویی به پرسش مقاله، روش مرور مفهومی-انتقادی هدایت‌شده همراه با تحلیل مضمون قیاسی-استقرایی به کار رفت. پیکره اولیه پژوهش مشتمل بر ۴۳ منبع تخصصی در حوزه‌های نظریه مکان و منظر، منظر مذهبی، سازمان فضایی شهر ایرانی، نهاد وقف، حکمرانی توسعه و تحولات بافت پیرامون حرم مطهر رضوی بود. معیارهای ورود شامل ارتباط مستقیم با ارکان مدل، انتشار در مراجع علمی معتبر، روش‌شناسی متقن و امکان اعتبارسنجی اطلاعات کتاب‌شناختی بود. متون ترویجی فاقد روش‌شناسی و مطالعات محدود به کالبد بنای حرم - بدون تحلیل نسبت آن با ساختار شهری - از فرایند بررسی خارج شدند. واحد تحلیل، هر «گزاره پژوهشی» بود که رابطه میان یک مداخله توسعه‌ای و ابعاد کالبدی-فضایی، اجتماعی-عملکردی، معنایی-زمانی، اقتصادی یا نهادی-قدرتی مکان را تبیین می‌کرد. تحلیل در سه گام پیوسته انجام شد: نخست، کدگذاری

گزاره‌های مرتبط با نوع مداخله، سازوکار اثرگذاری، گروه‌های متأثر و پیامدها؛ دوم، دسته‌بندی کدها از طریق رفت‌وبرگشت قیاسی- استقرایی در سه مقوله واسطه‌ای «سازمان فضایی»، «نهاد وقف» و «حکمرانی»؛ و سوم، تطبیق الگوها با یافته‌های بافت پیرامون حرم رضوی. این بافت نه مطالعه میدانی مستقل، بلکه موردی روشن‌نگر مبتنی بر منابع ثانویه جهت اعتبارسنجی چارچوب نظری بود. برای ارتقای روایی تحلیلی‌ها، ورود هر گزاره منوط به تکرار در حداقل دو منبع مستقل یا ارائه شواهد قابل ارزیابی بود. همچنین شواهد ارتقای خدمات و دسترسی ثبت گردید تا تحلیل از سوگیری تأییدی مصون بماند. دامنه استنتاج مقاله به تبیین نظری و سنتز انتقادی ادبیات محدود است و مرزبندی شفاف میان یافته‌های حاصل از سنتز و شواهد موردی رعایت شد.

مدل مفهومی رابطه‌مندی مکان در منظر مذهبی



الگوی توسعه پروژه محور با تقلیل سازمان فضایی به دسترسی، وقف به دارایی و حکمرانی به هماهنگی میان بازیگران مسلط، روابط تاریخی، اجتماعی و معنایی مکان را تضعیف و به فرسایش رابطه‌مندی آن منجر می‌شود. در مقابل، توسعه مکان محور با حفظ پیوستگی فضایی، تداوم نقش اجتماعی وقف، مشارکت ذی‌نفعان و حکمرانی در خدمت منفعت عمومی، می‌تواند روابط میان کالبد، فعالیت و معنا را بازتنظیم و ظرفیت بازتولید مکان را تقویت کند.

تصویر ۱. مدل مفهومی-تبیینی فرسایش رابطه‌مندی مکان در فرایند توسعه مناظر مذهبی. مأخذ: ترسیم نگارنده بر پایه تحلیل و سنتز مفهومی ادبیات پژوهش.

یافته‌های تحلیلی

سنتز انتقادی منابع و ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان توسعه پروژه محور و فرسایش مکان، رابطه‌ای مستقیم و تک‌عاملی نیست؛ بلکه آثار و تبعات مداخلات شهری از طریق سه سازوکار به هم پیوسته «سازمان فضایی»، «تهاد وقف» و «حکمرانی» به شبکه مناسبات مکان منتقل می‌شود. بر این قیاس، افزایش ظرفیت حرکتی، ارتقای خدمات شهری یا جذب سرمایه‌گذاری فی‌نفسه به معنای فرسایش مکان تلقی نمی‌شود؛ بلکه مسئله زمانی رخ می‌نماید که منطق تحقق این اهداف، سازمان فضایی را به زیرساخت ترافیکی و جابه‌جایی، نهاد وقف را به دارایی اقتصادی، و حکمرانی را به هماهنگی میان بازیگران مسلط تقلیل دهد. در چنین شرایطی، ظرفیت مکان برای پیوند کالبد، فعالیت، حافظه جمعی، سکونت، آیین و منفعت عمومی دچار افت شدید می‌شود. جدول ۱ صورت‌بندی فشرده این سه یافته تحلیلی و معیارهای ارزیابی متناظر با آن‌ها را بازنمایی می‌کند. جدول ۱. ماتریس تحلیلی سازوکارهای فرسایش رابطه‌مندی مکان در توسعه مناظر مذهبی. مأخذ: تنظیم نگارنده بر پایه سنتز منابع پژوهش.

سازوکار واسطه‌ای	صورت تقلیل در الگوی پروژه محور	نشانه‌ها و شواهد تحلیلی	پیامد در رابطه‌مندی مکان	معیار ارزیابی توسعه مکان محور
سازمان فضایی	فروکاستن فضا به شبکه دسترسی، ظرفیت عبور و قطعات منفرد پروژه‌ای	گسست محورهای تاریخی، تضعیف فضاهای واسط، جزیره‌ای شدن قطعات، غلبه حرکت بر مکث	جدایی مقصد از مسیر، زائر از محله و حرکت از فعالیت و معنا	پیوستگی مسیرهای تشریف، چندعملکردی بودن فضا، مقیاس انسانی، امکان مکث و خوانایی تدریجی
نهاد وقف	تقلیل نهاد وقف به مالکیت، ارزش دارایی یا منبع تأمین مالی پروژه	تمرکز منابع، ضعف اتصال درآمد به خدمات محلی، سکونت و گروه‌های کم‌توان	جدایی منابع اقتصادی از نیازهای روزمره و منفعت عمومی	جهت‌گیری و توزیع عادلانه منفعت، تنوع خدمات، پاسخ‌گویی و پیوند منابع با سکونت و آیین
حکمرانی	تمرکز تصمیم‌گیری در ائتلاف‌های پروژه‌ای و مشارکت پس از تثبیت طرح	ضعف نمایندگی، ابهام در تملک و توزیع منافع، انتقال هزینه جابه‌جایی به گروه‌های کم‌قدرت	جدایی قدرت از مسئولیت، سرمایه‌از منفعت عمومی و تصمیم از تجربه زیسته	مشارکت مؤثر، شفافیت، عدالت توزیعی، نمایندگی ذی‌نفعان و ارزیابی پس از اجرا
برآیند ترکیبی	هم‌جهتی سه سازوکار در خدمت حرکت، ارزش زمین و مصرف موقت	کاهش سکونت و اقتصاد خرد، تضعیف تماس زائر و مجاور، اختلال در توالی زیارت	فرسایش ظرفیت بازتولید روابط و ظهور جدایی‌گزینی چندلایه	سنجش هم‌زمان تداوم فضایی، اجتماعی، معنایی و نهادی

تقلیل سازمان فضایی به زیرساخت حرکت

یافته نخست پژوهش بیانگر آن است که چالش اصلی فضایی در توسعه پروژه محور، صرفاً دگرگونی فرمی یا جایگزینی یک الگوی هندسی با الگویی دیگر نیست؛ بلکه استحاله منطق ارتباطی میان ارکان شهری است. در سازمان فضایی و تاریخی شهر ایرانی، کانون مذهبی از طریق شبکه‌ای اندام‌وار متشکل از بازار، محله، میدان، مسیرهای تشریف، دروازه‌ها و نظام فعالیت با کلیت پیکره شهر پیوند می‌یافت. در این ساختار، معنای کانون مقدس نه به‌مثابه بنایی مجرد، بلکه در توالی و هم‌نشینی این عناصر فضایی بازتولید می‌شد (Mansouri, 2007; Abarghouei Fard & Mansouri, 2021; Mansouri).

(Mohammadzadeh, 2018). از این منظر، مسیر تشرف صرفاً کوتاه‌ترین راه دستیابی به مقصد نیست، بلکه بستری برای تحول تدریجی ادراک، مکث، مبادله، مواجهه اجتماعی و آمادگی روحی و آیینی به شمار می‌رود. شواهد پژوهشی در بافت پیرامون حرم مطهر رضوی نشان می‌دهد که تحولات چند دهه اخیر، در کنار ارتقای ظرفیت و تسهیل شبکه دسترسی، نسبت ساختاری میان مرکز تاریخی، محلات سکونتی و کانون زیارتی را دچار دگرگونی کرده است. نطاق و حسین‌زاده (Nattagh & Hosseinzadeh, 2023) تحول سازمان فضایی مشهد را با تضعیف انسجام مرکز تاریخی و دگرگونی در نسبت زائر و مجاور مرتبط می‌دانند. صبور و صابونچی (Sabouri & Saboonchi, 2022) نیز در ارزیابی توسعه خیابان امام رضا (ع)، بر بروز گسست‌های فضایی و فرسایش کیفیت مکان‌مندی تأکید ورزیده‌اند. این همگرایی در یافته‌ها به معنای نفی لزوم تسهیل دسترسی یا خدمات‌رسانی نیست؛ بلکه آشکار می‌سازد که هرگاه کارایی ترافیکی جانشین کیفیت سازمان فضایی گردد، پهنه پیرامونی حرم از شبکه‌ای برای زیست شهری و تولید تجربه معنایی، به مجرای صرف برای جابه‌جایی سریع جمعیت تقلیل می‌یابد. پیامد ساختاری این تقلیل، گسست میان حرکت و مکث، مسیر و مقصد، زائر و محله، و کالبد و فعالیت است. اضمحلال فضاهای واسطه و تضعیف فعالیت‌های روزمره، توالی ادراکی تشرف را مختل کرده و تجربه زیارت را به ورود مستقیم و گسسته به مجموعه مقدس محدود می‌سازد. از این‌رو، همان‌گونه که در جدول ۱ صورت‌بندی شده، ارزیابی سازمان فضایی باید افزون بر ظرفیت حرکتی، معیارهایی چون پیوستگی مسیرهای تشرف، پیوند محلات با شبکه اصلی، امکان مکث، تنوع عملکردی و خوانایی تدریجی امر قدسی را مد نظر قرار دهد.

گسست کارکرد اجتماعی-فضایی نهاد وقف

یافته دوم پژوهش آشکار می‌سازد که نقش و اهمیت نهاد وقف در پایداری منظر مذهبی، به حجم دارایی‌ها یا دامنه مالکیت آن تقلیل نمی‌یابد؛ بلکه ارزش مکانی وقف برآمد کیفیت پیوند منابع اقتصادی آن با خدمات عمومی، سکونت بومی، مناسک آیینی و نیازهای جمعی است. ادبیات تاریخی مؤید آن است که موقوفات همواره در آفرینش و تداوم عناصر فضایی همچون جریان‌های حرکتی، بازارها، تأسیسات آبرسانی، فضاهای خدماتی، عرصه سکونت و فضاهای همگانی نقشی ایفا کرده‌اند. بررسی تطور موقوفات مشهد در عصر صفوی، اثرپذیری شکل‌گیری خیابان، میدان، دروازه و نظام کاربری شهر را از این نهاد نشان می‌دهد (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021). همچنین، تحلیل موقوفات شهر ری در دوره قاجار، نقش وقف را در تولید و سازمان‌دهی فضاهای شهری به اثبات می‌رساند (Karimian et al., 2017). باین حال، نمی‌توان وقف را ذاتاً و در تمامی شرایط حافظ مکان دانست؛ همان‌گونه که هرگونه بهره‌برداری اقتصادی از موقوفات نیز ضرورتاً به معنای تخریب مکان نیست. متغیر کلیدی در این میان، «جهت‌گیری منافع» است. هنگامی که درآمدها و منابع وقفی با اسکان گروه‌های کم‌درآمد، تأمین خدمات روزمره، حمایت از بازار محلی، پایش مسیرهای تشرف و بازتولید آیین‌ها پیوند می‌خورند، نهاد وقف نقشی واسطه‌ای میان امر قدسی و حیات اجتماعی ایفا می‌کند. در مقابل، چنانچه تمرکز منابع بر بیشینه‌سازی ارزش دارایی‌ها و تأمین مالی پروژه‌های متمرکز استوار گردد، ظرفیت مکان‌سازی و رابطه‌آفرینی وقف تضعیف می‌شود. از این‌رو، مطابق آنچه در جدول ۱ باز‌نمایی شده، ارزیابی نقش وقف مستلزم سنجش طیف بهره‌مندان، تنوع و مقیاس خدمات، پراکندگی فضایی منافع و شفافیت نسبت میان درآمدهای وقفی با پیامدهای فضایی آن است.

تمرکز حکمرانی و برون‌سپاری هزینه‌های توسعه

یافته سوم نشان می‌دهد که فرسایش مکان صرفاً محصول مراحل طراحی و ساخت کالبدی نیست؛ بلکه ریشه در نحوه تبیین مسئله، اولویت‌گذاری، تملک زمین، تخصیص منابع و ساختار توزیع قدرت دارد. نقد الگوی تمرکزگرا در سیاست‌های توسعه شهری ایران بیانگر آن است که غلبه تصمیم‌گیری‌های تخصصی و تک‌عاملی، ظرفیت مشارکت عمومی و بازنمایی ارزش‌های محلی را به شدت محدود می‌سازد (Maghsoudi, 2019). ارزیابی کل‌نگر پروژه میدان شهدای مشهد نیز مؤید این واقعیت است که احداث فضاهای شهری جدید، بدون لحاظ هم‌زمان مناسبات ادراکی، اجتماعی و عملکردی، الزاماً به ارتقای کیفیت فضای جمعی نمی‌انجامد (Hoseinzadeh & Moeini, 2020). در بافت پیرامون حرم مطهر، تمرکز ساختار تصمیم‌گیری و مداخله دیر هنگام ذی‌نفعان موجب شده است کیفیاتی همچون پایداری سکونت، حافظه جمعی، سرمایه اجتماعی، سنت میزبانی و شبکه‌های کسب‌وکار خرد در برابر ارزش مبادله‌ای زمین حاشیه‌نشین شوند. تحلیل هم‌زمان نیروهای مذهبی و اقتصادی در منطقه ثامن، اثرگذاری این دو مؤلفه را بر تحول فرم شهری نشان می‌دهد (Sarkhili et al., 2014). افزون بر این، ارزیابی‌های اجتماعی-اقتصادی طرح‌های نوسازی گواه آن است که افزایش ارزش زمین و تمرکز کاربری‌های تجاری سودآور، در عین ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، توان ماندگاری سکونت بومی و فعالیت‌های اقتصادی خرد را تضعیف کرده است (Kolahi et al., 2023). بنابراین مسئله اصلی، صرف حضور دولت، نهاد مذهبی یا بخش خصوصی نیست؛ بلکه کیفیت سازوکارهایی است که قدرت، منفعت، هزینه و مسئولیت را میان این بازیگران توزیع می‌کند. تلفیق یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که این سه سازوکار واسطه‌ای رفتاری کاملاً هم‌افزا و متقابل دارند. حکمرانی متمرکز، سازمان فضایی را به سمت اولویت‌های حرکتی و ارزش‌افزوده زمین سوق می‌دهد؛ همین منطق، منابع نهاد وقف را به سمت پروژه‌های متمرکز هدایت می‌نماید؛ و دگرگونی فضایی حاصل از این فرایند، ظرفیت سکونت‌پذیری، اقتصاد خرد و تعامل اجتماعی زائر و مجاور را دستخوش اختلال می‌سازد. در نهایت، پاسخ نظری پژوهش بر این اصل استوار است که توسعه پروژه‌محور هنگامی به فرسایش مکان می‌انجامد که این سه سازوکار واسطه‌ای به‌طور هم‌زمان توان بازتولید مناسبات مقوم مکان را تضعیف نکنند، نه صرفاً زمانی که ساخت‌وساز جدیدی در محیط رخ داده باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد رابطه میان توسعه پروژه‌محور و فرسایش مکان، رابطه‌ای خطی و صرفاً متأثر از مداخلات کالبدی نیست؛ بلکه کیفیت و جهت‌گیری این رابطه به نحوه کارکرد سه سازوکار واسطه‌ای «سازمان فضایی»، «نهاد وقف» و «حکمرانی» بستگی دارد. همان‌گونه که در شکل ۲ صورت‌بندی شده است، چالش محوری نه نوآمد بودن مداخله شهری است و نه افزایش ظرفیت خدماتی؛ بلکه مسئله در منطق درونی توسعه و سنخ روابطی نهفته است که در فرایند تحقق طرح حفظ، بازتنظیم یا حذف می‌شوند. این دستاورد، الگوی رایج در ارزیابی پروژه‌های پیرامونی اماکن مقدس را با تردید جدی مواجه می‌سازد؛ زیرا تعریض معابر، ارتقای ظرفیت اقامتی، افزایش سرعت دسترسی یا رشد ارزش اقتصادی زمین، اگرچه پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای عینی شهر زیارتی است، اما فی‌نفسه دلالتی بر ارتقای کیفیت مکان ندارد. رویکردهای مکان‌محور نیز تنها زمانی واجد اعتبار تحلیلی هستند که تمایزات تاریخی، نهادی و اجتماعی بستر را در فرایند

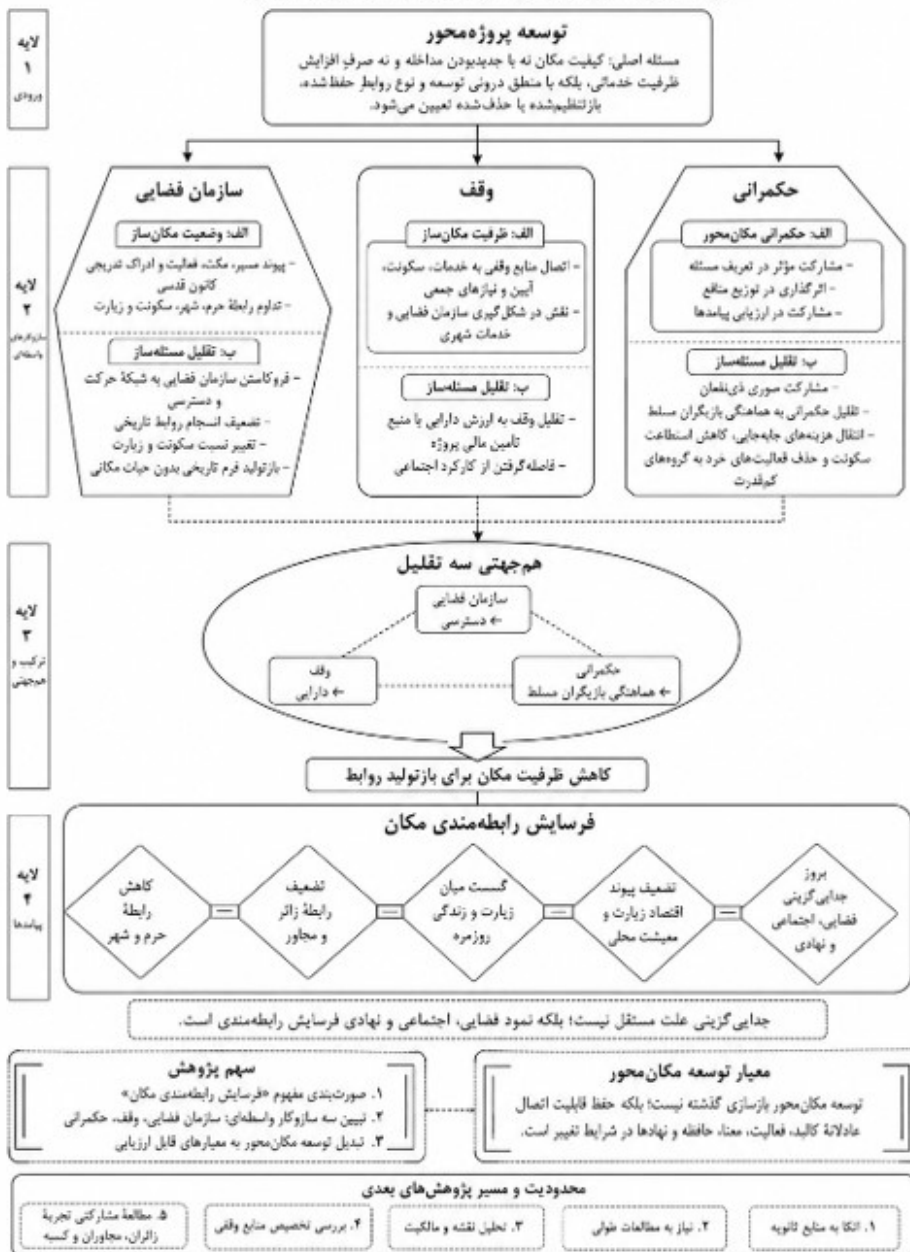
تصمیم‌گیری لحاظ کنند، نه آنکه به سازگاری‌های صوری طرح با زمینه معماری بسنده ورزند (Barca et al., 2012; Rodríguez-Pose, 2018).

در مرتبه فضایی، یافته‌ها گواهی می‌دهند که فروکاستن سازمان فضایی به شبکه حرکت و دسترسی، پیوند میان مسیر، مکث، تنوع فعالیت و ادراک تدریجی کانون قدسی را تضعیف می‌سازد. مطالعات تحولات شهری مشهد و محور امام رضا (ع) نیز، در کنار مزایای دسترسی و خدمات‌رسانی، از تضعیف انسجام برخی روابط تاریخی و دگرگونی نسبت سکونت و زیارت حکایت دارند (Nattagh & Hosseinzadeh, 2023; Sabouri & Saboonchi, 2022). با این همه، مسئله پژوهش صرفاً صیانت نوستالژیک از فرم تاریخی نیست؛ زیرا بازتولید صورت گذشته، بدون استمرار حیات اجتماعی، سکونت و فعالیت بومی، به تولید کالبدی واجد ظاهر تاریخی اما تهی از حیات مکانی می‌انجامد. در منطق تحلیلی تصویر ۲، این عارضه زمانی رخ می‌دهد که سازمان فضایی از نظام مکان‌ساز، به زیرساختی صرف برای جابه‌جایی و توزیع جمعیت تقلیل یابد. در مرتبه نهادی، تحلیل کارکرد وقف نشان داد که موقوفه ذاتاً و خودبه‌خود حافظ مکان نیست؛ بلکه ظرفیت مکان‌سازی آن به چگونگی پیوند منابع وقفی با خدمات عمومی، سکونت، آیین‌ها و نیازهای جمعی گره خورده است. شواهد تاریخی نقش وقف را در شکل‌گیری سازمان فضایی و ساختار خدمات شهری تأیید می‌کنند؛ اما همین نهاد، در صورت تقلیل به ارزش دارایی یا منبع تأمین مالی پروژه‌ها، از کارکرد اجتماعی و رابطه‌ساز خود فاصله می‌گیرد (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Karimian et al., 2017). به همین ترتیب، مشارکت شهری نیز با حضور صوری ذی‌نفعان محقق نمی‌شود؛ حکمرانی مکان محور مستلزم اثرگذاری واقعی آنان در تبیین مسئله، توزیع منافع و ارزیابی پیامدهاست. در غیر این صورت، هزینه‌های جابه‌جایی، کاهش استطاعت سکونتی و اضمحلال کسب‌وکارهای خرد به گروه‌هایی منتقل می‌شود که کمترین سهم را در ساختار تصمیم‌گیری دارند (Hoseinzadeh & Moeini, 2020; Kolahi et al., 2023; Maghsoudi, 2019).

در پاسخ صریح به پرسش محوری مقاله، توسعه پروژه محور هنگامی به فرسایش رابطه‌مندی مکان می‌انجامد که سازمان فضایی را به دسترسی، نهاد وقف را به دارایی، و حکمرانی را به هماهنگی میان بازیگران مسلط تقلیل دهد. مطابق تصویر ۲، برهم‌کنش این سه تقلیل ساختاری، ظرفیت مکان را در بازتولید مناسبات میان حرم و شهر، زائر و مجاور، زیارت و حیات روزمره، و اقتصاد زیارت و معیشت محلی کاهش می‌دهد. از این رو، جدایی‌گزینی عارضه مستقلی نیست، بلکه بازنمود فضایی، اجتماعی و نهادی فرسایش رابطه‌مندی مکان است که در اثر کاهش توان بازتولید روابط مقوم مکان پدیدار می‌شود. سهم دانش‌افزایی این گفتمان در سه محور اساسی قابل دسته‌بندی است: مفهوم‌سازی دقیق «فرسایش رابطه‌مندی مکان»، تشریح نقش واسطه‌ای سه سازوکار سازمان فضایی، وقف و حکمرانی، و در نهایت ارتقای توسعه مکان محور از یک آرمان هنجاری به چارچوبی سنجش‌پذیر. همان‌طور که بخش پایانی تصویر ۲ بازنمایی می‌کند، توسعه مکان محور به معنای بازسازی موزه‌ای گذشته یا تقلید فرمی نیست؛ بلکه دلالت بر حفظ قابلیت اتصال عادلانه کالبد، فعالیت، معنا، حافظه جمعی و نهادها در بستری پویا و متحول دارد. با توجه به اتکای مطالعه حاضر بر اسناد و منابع ثانویه، نتایج آن نباید ارزیابی میدانی تمام پهنه پیرامونی حرم تلقی شود؛ از این رو، سنجش تجربی این مدل مستلزم پژوهش‌های طولی، تحلیل نقشه‌های مالکیت، بررسی دقیق نظام تخصیص منابع وقفی و سنجش مشارکتی تجربه زیسته زائران، مجاوران و کسبه بافت خواهد بود.

مدل مفهومی فرسایش رابطه‌مندی مکان در اثر توسعه پروژه محور

برآیند تحلیل از رابطه میان توسعه پروژه محور، سه سازوکار واسطه‌ای و کیفیت مکان



تصویر ۲. مدل تبیینی فرسایش رابطه‌مندی مکان در اثر توسعه پروژه محور. مأخذ: ترسیم نگارنده بر پایه سنتز یافته‌های پژوهش.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/version4/>)



- منابع
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی؛ رویکردی پدیدارشناسانه. *هنرهای زیبا*، ۱۴(۴)، ۵۰-۴۰.
<https://ecc.isc.ac/showJournal/994/1165/11781>
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. *هنرهای زیبا*، ۱(۲۶)، ۵۷-۶۶.
<https://sid.ir/paper/5847/fa>
- Abarghouei Fard, H., & Mansouri, S. A. (2021). Reviewing the Constituent Components of the Spatial Organization of Iranian City after Islam in the 9th–14th AH Travelogues. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 13(55), 20-29. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.240065.2070>
- Abarghouei Fard, H., Saboonchi, P., & Farzin, A. A. (2018). An Investigation into the Role of Ritual Landscapes in the Identity of Iranian Cities. *Bagh-e Nazar*, 15(65), 5-12. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.74072>
- Ashouri, A. (2014). Spiritual City Landscape. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 5(24), 36-39. https://www.manzar-sj.com/article_4070_0.html
- Barca, F., McCann, P., & Rodríguez-Pose, A. (2012). The case for regional development intervention: Place-based versus place-neutral approaches. *Journal of Regional Science*, 52(1), 134–152. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9787.2011.00756.x>
- Basiri Mozhdehi, R., Daneshpour, S. A., & Alalhesabi, M. (2020). Redefining the Ontology of Place as the Urban-Relational. *Bagh-e Nazar*, 17(90), 5-18. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.202498.4316>
- Cresswell, T. (2004). *Place: A short introduction*. Blackwell.
- Daneshpour, S. A., Sepeshri Moqaddam, M., & Charkhchian, M. (2009). Explanation to “Place Attachment” And investigation of its effective factors. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 1(38), 37-48. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286020.1388.1.38.4.8>
- Eslami, S., Zamani, B., & Nooraie, H. (2022). An Evaluation of the Behavior Settings in the Territory of Sacred Places Case Study: The Peripheral Territory of Hazrat Masoumeh’s Holy Shrine. *Bagh-e Nazar*, 19(107), 21-40. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.273808.4807>
- Farzin, A. A. (2010). Contemplation on the role of shrines in urban landscape creation of Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 2(11), 26-27. https://www.manzar-sj.com/article_171.html
- Hoseinzadeh, M., & Moeini, S. M. (2020). The Qualitative Evaluation of Urban Spaces, Application of The Holistic Landscape Approach in the Evaluation of Mashhad Shohada Square Project.. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 12(50), 50-61. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.218402.2033>
- Izadi, M. S., Asgari, N., & Nasekhian, Sh. (2020). A Review of the Semantic and Physical Structure of Sacred Places Inviolable Zone; Based on Works of Travel Literatures written from the fifth to the fourteen centuries A.H. *Iranian Islamic city studies*, 10(38), 21-36. <https://dori.net/dor/20.1001.1.2228639.1398.10.38.2.8>
- Karimian, H., Bahmani, A., & Shahabi, S. M. (2017). The Influence of Endowment in Formation of Urban Spaces in Rey City during Qajar Era. *Bagh-e Nazar*, 13(44), 89-98. https://www.bagh-sj.com/article_42152.html
- Kazemi Andaryan, M. H., & Nejad Ebrahimi, A. (2021). Explaining the Effects of the Socio-Economic Institution of Waqf on the Urban Spatial Organization (Case Study: Mashhad in the Safavid Era). *Bagh-e Nazar*, 18(102), 83-100. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.254116.4699>
- Khorramrouei, R., Mahan, A., & Farzin, A. A. (2019). Explaining the ritualistic concept and studying its crystallization effects. *Hoviatshahr*, 13(2), 51-62. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/hoviatshahr/Article/794159>
- Kolahi, M., Omranian Khorasani, H., & Sharifi, Z. (2023). Socio-Economic Analysis of the Renovation and Improvement Plan of Urban Texture Surrounding Razavi Holy Shrine. *Physical Social Planning*, 10(2), 17-32. <https://doi.org/10.30473/psp.2023.66555.2644>
- Maghsoudi, A. (2019). Modernist Unilateralism and the Urban Development Policies of Contemporary Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 11(48), 6-13. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.192557.1977>
- Mahan, A., & Mansouri, S. A. (2017). The Study Of “Landscape” Concept with an Emphasis on the Views of Authorities of Various Disciplines. *Bagh-e Nazar*, 14(47), 17-28. https://www.bagh-sj.com/article_45081.html
- Mansouri, S. A. (2007). The Spatial Organization of Iranian City in Two Periods: Before and After Islam Based on the Evidences of Kerman City Evolution. *Bagh-e Nazar*, 4(7), 50-60. https://www.bagh-sj.com/article_67.html
- Mansouri, S. A., & Hemmati, M. (2021). An Evaluation of Persian-Speaking Researchers’ Description and Interpretations of the Spatial Organization of Cities. *Bagh-e Nazar*, 17(92), 5-18. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.214720.4421>
- Mansouri, S. A., & Mohammadzadeh, S. (2018). The Changes of Tabriz Spatial Organization from Early Islamic Era to Gajar Era. *Bagh-e Nazar*, 14(51), 21-32. https://www.bagh-sj.com/article_49425.html
- Nattagh, M. J., & Hosseinzadeh, M. (2023). Investigation of developments and changes in Mashhad Spatial Organization. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 15(63), 26-37. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.344669.2195>
- Nattagh, M. J., & Mokhles, F. (2019). Comparison of Two Paradigms of the Sacred Landscape in Islamic and Christian City (Case Study: Holy Shrine of Imam Reza in Mashhad and the Duomo Cathedral in Milan). *MANZAR, the Scientific Journal of*

landscape, 11(48), 14-21. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.170134.1906>

- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.

- Rezaei, H., Keramati, G., Dehbashi sharif, M., & Nasir Salami, M. (2018). A Schematic Explanatory Pattern for the Psychological Process of Achieving Environmental Meaning and Actualizing Sense of Place Focusing on the Intervening Role of the Perception. *Bagh-e Nazar*, 15(65), 49-66. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.74083>

- Rodríguez-Pose, A. (2018). The revenge of the places that don't matter (and what to do about it). *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 11(1), 189–209. <https://doi.org/10.1093/cjres/rsx024>

- Sabouri, S., & Saboonchi, P. (2022). A Qualitative Assessment of the Peripheral Texture Development of a Holy Site (Case study: Imam Reza Street). *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 14(61), 48-59. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.306319.2154>

- Sarkhili, E., Pourjafar, M., & Rafieian, M. (2014). Assessing the Convergence Effects of Religious and Economic forces on the Contemporary Changes in Form and Shape of Samen Region, Mashhad. *Motaleate Shahr*, 3(12), 87-101. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_10950.html?lang=en

- Tuan, Y.-F. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. University of Minnesota Press.

- Tuan, Y.-F. (1977). Space and place: The perspective of experience. University of Minnesota Press. pact on the Structure of Nomadic Architecture. *Bagh-e Nazar*, 14(57), 63-74. https://www.bagh-sj.com/article_57879.html?lang=en

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/version4/>)

